



مواضع امام رضا(ع) در مقابل فرقه عالمانه و انحرافی واقفیه

دوران امامت امام هشتم(ع) از جهات مختلفی خاص و ویژه بوده و در این میان، وجود مشکلات فراوانی از جمله مشکلات درون گروهی در میان خود شیعیان، از مهم ترین مسائل و معضلات زمان امامت امام رضا(ع) به شمار می آید.

دوران امامت امام هشتم(ع) از جهات مختلفی خاص و ویژه بوده و در این میان، وجود مشکلات فراوانی از جمله مشکلات درون گروهی در میان خود شیعیان، از مهم ترین مسائل و معضلات زمان امامت امام رضا(ع) به شمار می آید.

دوران امامت امام هشتم(ع) از جهات مختلفی خاص و ویژه بوده و در این میان، وجود مشکلات فراوانی از جمله مشکلات درون گروهی در میان خود شیعیان، از مهم ترین مسائل و معضلات زمان امامت امام رضا(ع) به شمار می آید. آشنا شدن با این چالش ها و مشکلات امام(ع)، در شناخت سیره آن حضرت در چگونگی برخورد و مواجهه با فرق مختلف درون شیعی، به ویژه با توجه به الگو و محوری بودن نقش امامان(ع)، برای شیعیان امامیه، بسیار مهم و ضروری می نماید. همچنین آشنایی با این فرقه ها و نیز شناخت چگونگی تعامل و برخورد امام(ع) با این فرقه ها، استفاده از آن الگو را در برخورد با گروه های مختلف در جوامع کنونی میسر می سازد.

در زمان امامت امام رضا(ع)، شاهد فرق مختلف زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه و غالیان هستیم که در این میان غالیان از فرق منتسب به شیعه، و نیز فرقه نوظهور و خطرناک واقفیه بیشترین مبارزات را با امام(ع) داشتند.

واقفیه؛ فرقه ای که امامت امام رضا(ع) را نپذیرفت

فرقه واقفیه که پس از شهادت امام موسی کاظم(ع)، در سال 183 ه.ق. به وجود آمد، آن حضرت را آخرین امام و قائم و مهدی دانسته و بر این اساس، بر ایشان توقف نموده و امامت امام رضا(ع) و سایر امامان معصوم(ع) پس از ایشان را نپذیرفتند.

این فرقه ویژگی های خاص و منحصر به فردی داشت که همین ویژگی ها هم باعث رواج سریع آن شد.

مهم ترین ویژگی فرقه واقفیه، رهبران آن بودند که همین مورد نیز سهم بسزایی در گسترش و رشد سریع این فرقه در بین عامه مردم و حتی در بین خواص شیعه داشت و افراد بسیاری را به خود جذب کرد.

سران این فرقه از جایگاه علمی و اجتماعی و روایی بالایی در بین مردم برخوردار بودند و جایگاه علمی برخی از واقفیان، به گونه ای بود که برای معرفی آنان واژه های فقیه، ثقه و مشهور به کار رفته است.

برخی رهبران واقفه از سران سازمان وکالت بوده و وکلای بزرگی بودند و از آن جا که انتخاب وکلا از سوی ائمه اطهار(ع) دارای شرایط خاصی بوده و افراد واجد شرایط خاصی برای این امر خطیر برگزیده می شدند، به نظر می رسد این امر نیز در سوق شیعیان به سوی واقفیان تأثیر بسزایی داشته است.

به نظر می رسد فرقه واقفیه به عللی چون انگیزه های اقتصادی و مادی، سوءبرداشت از روایات و جعل و تحریف آن ها و سوءبرداشت از فعالیت های امام کاظم(ع) پدید آمده که البته با توجه به منابع رجالی و روایی، مهم ترین علت انحراف آن ها را انگیزه های مادی و مالی می توان دانست.

واقفیان در جهت اثبات آراء و عقایدشان و نیز جذب افراد بیشتر دست به اقداماتی زدند و در واقع مبارزاتی را شروع کردند که این تلاش ها و مبارزات در ابعاد و زوایای مختلفی انجام می گرفت.

یکی از شیوه های واقفیان در ترویج عقاید و اندیشه هایشان، انجام امور فرهنگی و تبلیغی بود که در این راستا به نوشتن کتاب، تعلیم و تربیت شاگرد و نیز جعل و تحریف احادیث و پراکندن شایعات روی آوردند؛ که چنانچه پیشتر ذکر شد شرح و تفصیل این مطالب و منابع و مآخذ آن، در کتاب امام رضا(ع) و فرقه های شیعه آمده است.

واقفیان همچنین در راه رسیدن به اهدافشان به تطمیع و شبهه افکنی در زمینه های مختلف پرداختند. در واقع، بزرگترین شبهه ای که واقفیه در بین شیعیان ایجاد کرده بودند، همان وقف بر امام کاظم(ع) و انکار امامت امام رضا(ع) بود.

آنان برای اثبات این مسئله از روایات فراوانی که در مورد مهدی موعود وجود داشت، بهره می گرفتند و آن روایات را در جهت خواست خود و نیز تقویت عقایدشان مبنی بر مهدویت امام کاظم(ع) تفسیر می کردند. واقفیه در جهت حمایت از این عقیده خود، شبهات دیگری را ایجاد یا به آن دامن می زدند و این گونه نقش غیرقابل انکاری در تشنج اوضاع و تزلزل عقاید برخی شیعیان ایفا می کردند.

امام رضا(ع)، در مقابل این فرقه، برخوردی بسیار جدی و مبارزه ای همه جانبه را در پیش گرفتند که به نظر می رسد آنچه برخورد تند امام را موجب شده بود، شدت خطر این فرقه و نیز شدت برخورد آنان، مخصوصاً سران اولیه و اصلی آن بود که عمدتاً از علما و فقها بودند و معمولاً آگاهانه به این مخالفت و انکار امامت امام رضا(ع) دست زده بودند و چنانچه گفته شد، به طور گسترده و وسیع به دنبال تبلیغ و اشاعه آموزه های نادرست خویش بودند.

به طوری که برخی از غلات، از این فضای متشنج به نفع خویش استفاده کرده و خود را واقفی خوانده و با تخلیط عقاید خود با واقفیان، مشکلاتی دیگر را پدید آورده و پیروانشان را برای مبارزه با امام(ع) و یارانش آماده می کردند.

دقت در روایات و گزارش های رسیده نشان می دهد که امام رضا(ع) علاوه بر این که در دوران حضور در مدینه به پاسخگوئی و

مبارزه با فرقه واقفیه می‌پرداخته است، حتی در مسیر راه خود از مدینه به مرو و همچنین در خود مرو نیز به این مهم توجه داشته است.

مواضع امام رضا(ع) در برابر فرقه عالمانه و انحرافی واقفیه

مواضع امام رضا(ع) در برابر فرقه عالمانه و انحرافی در مراحل و موارد زیر قابل دسته‌بندی است:

1 - نامه‌نگاری و مکاتبه

امام رضا(ع) نامه‌هایی را به سران اولیه وقف به نام‌های علی بن ابی‌حمزه بطائنی و زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی نوشت و به آنها دستور داد تا اموال پدر بزرگوارش(ع) را به او تحویل دهند. هر چند سران وقف، اصول را برنگردانده و منکر فوت امام کاظم(ع) شدند، ولی امام(ع) با پاسخ‌های روشن و قاطع خود، حجت را بر آنان تمام کرد و همچنین این نامه‌های امام(ع) و عدم فرمانبری وکلا، باعث بی‌اعتبار شدن وکلا و نیز باعث شناسایی و تمایز پیروان و یاران امام رضا(ع) - که ادامه زنجیره شیعیان اثنی عشری از بین آنان بود - از واقفیان می‌گردید.

2 - پاسخ به شبهات (در قالب مناظره و مکاتبه)

امام رضا(ع) به مناسبت‌های مختلف پاسخگویی به شبهات که معمولاً در قالب مناظره و گفت‌وگو و مکاتبه و نامه‌نگاری بود، می‌پرداختند. در نتیجه این مذاکرات و گفتگوها، افرادی به حق و حقیقت رهنمون شده و در صراط مستقیم قرار گرفتند.

3 - پاکسازی احادیث از جعل و تحریف

برخی احادیث توسط واقفیان مورد جعل و تحریف قرار گرفته بود که امام رضا(ع) راویان و ناقلان این احادیث را دروغگو خوانده و صورت صحیح روایت را بیان می‌نمود.

4 - معرفی ماهیت واقفیان و بیان عاقبت آنان

از دیگر مواضع امام رضا(ع) معرفی چهره واقعی واقفیان و بیان عاقبت و سرانجام آنان بود که این مورد ضربه محکمی بر اعتبار و سابقه خوب برخی سران وقف که از بزرگان اصحاب ائمه(ع) بودند، وارد می‌کرد.

امام رضا(ع) زندگی واقفیان در سرگردانی و حیرت، و مرگشان را چون زندیق‌ها دانست، و بالاخره امام(ع) واقفیان را کافر، مشرک و زندیق خواند.

5 - تحریم اجتماعی و اقتصادی واقفیان

امام(ع) اصحاب و یاران خود را از معاشرت با واقفیه و نیز از دادن زکات به آنان منع می‌نماید و در این جا نیز به ذکر ماهیت و اعتقادات باطل آنان اشاره می‌کند؛ به طوری که وقتی یونس بن یعقوب از امام(ع) درباره پرداخت زکات به آنان (واقفیه) می‌پرسد، امام(ع) می‌فرماید: به آنان زکات نده، زیرا که آنان از کافران، مشرکان و زنداقه هستند.

در مورد شدت عمل امام(ع) در مقابل واقفیان، نقل شده که امام(ع) به یحیی بن مبارک امر می‌کند تا می‌تواند با واقفیان دشمنی ورزد. البته قابل توجه است که شدت عمل امام(ع) متناسب با شدت خطر واقفیان بوده است؛ چون آن‌ها اساس امامت و تشیع امامی را هدف قرار داده بودند.

6 - مورد لعن و نفرین قرار دادن واقفیان (طرد زبانی)

امام رضا(ع) با لعن و نفرین‌های خود بر واقفیه، آن‌ها را از جامعه شیعی طرد کردند. میزان روایات وارده در رد و لعن بر واقفه، نشانگر میزان خطر این فرقه بوده؛ چنان که امام(ع) در تمام یا بیشتر مدت امامت خویش، با این فرقه درگیر بوده و در مقابل آن‌ها، مواضع مختلفی را پیش گرفتند.

نقل شده که امام(ع) ابوسعید مکاری را نفرین کرده و به او فرمود: «خدا نورت را خاموش گرداند و فقر را به خانه‌ات بیاورد ... بی‌برادر شوی! تو از گروه من نیستی ...». ابوسعید مکاری که در ابتدا از کوردلان بود، چشم سر را نیز از دست داد و کورچشم نیز شد.

7 - ارائه کرامات علمی

کرامات آن حضرت(ع) عده زیادی از واقفیان را به مسیر اصلی هدایت کرد. شایان ذکر است که کرامات و حتی دیگر مواضع امام(ع)، برای واقفیان مؤثر واقع شد که واقعاً از روی ناآگاهی و تحت تأثیر دیگر افراد منحرف، در امام زمان خویش دچار شک و تردید شده بودند، و نه کسانی که آگاهانه و به خاطر اهداف مادی دنیوی و جاه و مقام به این راه رفته بودند. چرا که بیدار کردن فرد خفته، بسی آسان‌تر از کسی است که خود را به خواب زده است.

ثمرات مبارزه امام رضا(ع) با واقفیه

در نتیجه مبارزات پیگیر امام(ع) شاهد ثمرات بسیاری در این زمینه هستیم که از نتایج برخوردهای امام(ع) با واقفیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1 - برگشت عده‌ای از واقفیان

2 - شناساندن واقفیان و ماهیت واقعی آنان

3 - روشن شدن این که آن‌ها (واقفیان) در گمراهی‌اند و اگر هم روزی جزء پیروان برجسته امام کاظم(ع) بوده‌اند، دلیل بر تأسی به روش و شیوه و سخنان آنان در زمان مورد بحث (امامت امام رضا(ع)) نیست.

علاوه بر واقفیان، افرادی از فرق دیگر (غلات) نیز با انگیزه‌هایی مثل جاه و مقام و سوءاستفاده‌های مالی و مادی از مردم و نیز توجیه اعمال زشت و اباحی‌گری‌هایشان، به واقفیه پیوستند که البته اینان با تخلیط عقاید خود با واقفیان، معجونی دیگر فراهم کرده، افکار بسیار خطرناکی را در جامعه رواج می‌دادند.

افزوده شدن این عده از غلات بر حلقه سودجویان واقفی، از طرفی بر آتش آن افزوده و آن را شعله‌ورتر نمود و از سوی دیگر آن را بی‌اساس‌تر کرد. شعله‌ورتر از آن جهت که بر تشویق و انحراف افکار افزوده بودند و بی‌اساس‌تر از حیث نمایان و آشکارتر بودن سستی و فساد عقاید و اعمال‌شان.

با توجه به خطراتی که از ناحیه غالیان متوجه اصل و کیان تشیع بود و از همه مهمتر، رواج افکار مخرب و منحرف توسط آنان در خصوص اصل اساسی دین یعنی توحید، امامان شیعه (ع) شدیدترین برخورد را در مبارزه با آنان در پیش گرفتند. در این راستا، امام رضا (ع) به شدت با جریان غلو غالی‌گری برخورد کرده و غالیان را مورد لعن و طرد قرار دادند.

مراحل موضع‌گیری امام رضا (ع) در مقابل غالیان مواضع امام رضا (ع) در برابر این فرقه منحرف منتسب به شیعه به مراحل قابل تقسیم‌بندی است که به جهت رعایت اختصار فقط به ذکر عناوین آن‌ها اکتفا می‌شود.

1 - بیان ضرورت پرداختن به مسئله غالیان

2 - معرفی ماهیت غالیان و بیان عقاید آن‌ها

3 - ردّ عقاید غالیان و بیان عقاید صحیح

4 - بیان علل غلو و عاقبت غالی

5 - ردّ برخی از احادیث و بیان چگونگی تشخیص احادیث صحیح از سقیم

6 - اظهار تنفر و بیزاری از غلات و لعن آن‌ها

7 - فرمان قطع رابطه همه جانبه با غلات

به امید آن که از پیروان و رهروان واقعی آن امام رئوف (ع) باشیم. انشاءالله.

لازم به ذکر است که مشروح مطالب این یادداشت و منابع و مأخذ مربوط به آنها در کتاب امام رضا (ع) و فرقه‌های شیعه آمده است.

زهر بختیاری

پژوهشگر تاریخ اسلام و نویسنده کتاب امام رضا (ع) و فرقه‌های شیعه